



فرار از سرمایه گذاری در بخش کشاورزی

نیست. تازه پس از افتادن در چاه ویل کشاورزی به فکر می افتد تا کار در بیابان با هزاران ریسک، سرقت، سرمایه زدگی، مرگ و میر، طوفان و سیل و خطر تصادف تردد بین شهر و روستا را رها کند و به هر ترفندی، زمین را تغییر کاربری دهد و بنگاه خرید و فروش اتومبیل یا صرافی یا برج سازی برقرار کند. آن وقت صدها پیام و اندرز که کشاورزی شغل انبیا است و کشاورزی برکت دارد که هیچکدام نمی تواند کشاورز خسران دیده را به کشت و کار و پرورش برگرداند.

به نظر می رسد در گام اول باید قوانین مصرحه در مجلس به تصویب برسد تا:

الف) سرمایه گذار با آرامش خاطر همه ی امکانات مالی و توانی خود را در بخش کشاورزی صرف کند.

ب) سرمایه های خارجی اعم از سرمایه ایرانیان مهاجر یا شرکت های خارجی با قانون امنیت اطمینان بخش (اولین پیش نیاز سرمایه گذاری) همراه با امنیت قضایی و اقتصادی به ایران بیاید و در بخش کشاورزی جا خوش کند.

ج) یارانه ها به جای ریخت و پاش و تبلیغات بی اثر به تولید اختصاص یابد تا تولید در رقابت با واردات امکان حیات بیشتری یابد.

د) بیمه محصولات کشاورزی برای همه ی سطوح و بدون محدودیت میزان سطح زیر کشت یا تعداد دام برقرار شود و به ویژه در مواردی که دستور معدوم کردن محصول یا دام صادر می شود، دولت به قیمت روز و نقدا بهای آن را به زارع و دامدار پرداخت کند.

ه) شرایط رقابت درست و سالم اقتصادی فراهم شود و "لولوی واردات" در فصل برداشت، ذهن کشاورز و تولیدکننده را تخریب نکند.

یک سرمایه دار غیر کشاورز به راحتی می تواند موجودی بانک خود را در عرض چند دقیقه دریافت کرده به هر گوشه ای از جهان مهاجرت کند. اوراق مشارکت به آسانی قابل تبدیل به پول است، سکه و سهام و طلا و جواهرات همینطور، برج و کارخانه صنعتی نیز با کمی تانی، قابل تبدیل و تغییر است اما یک مرغدار، مزرعه دار، گاو دار و باغدار، سرمایه ای غیر قابل تبدیل یا فروش دارد. گرچه طبقات نام برده شده سرمایه دار نامیده می شوند، اما سرمایه گذار کشاورز اعم از اینکه املاک و مزارع پدری را سرپرستی کند یا سرمایه ای را از خارج به داخل آورده و اقدام به خرید مزرعه یا موسسه کشت و صنعت نماید، زالو صفت، خان، مرفه بی درد و ... نامیده می شود.

سوی دیگر سکه این است که برج داران، آپارتمان سازان، صرافان، بنگاه داران و ... در یک بازی کوچک زمانه، بین ۳۰ الی ۱۰۰ درصد ارزش افزوده (مانند ۵-۶ ماه گذشته) نصیبشان می شود و هیچ گونه تابلویی با تعریف مشخص ندارند تا دولت هم بتواند به کنترل آنها بپردازد و به دلیل سود فراوان این نوع خدمات، بسیاری از صاحبان سایر مشاغل به ساخت و سازها یا حرفه هایی از این دست روی آورده اند و ...

به ارزیابی سود آوری در این بخش که بپردازیم، محصولات تولیدی در بخش کشاورزی مانند محصولات غذایی، بقولات، شیر، گوشت و ... یا شامل تعزیرات دولتی هستند یا با مجوزهای ناگهانی ورود و تعرفه، مانند ورود پرتقال، سیب، شکر، برنج و ... حاصل یک سال کارشان دود شده به هوا می رود.

این است که در حقیقت کار کشاورزی و سرمایه گذاری در این بخش با ضرر پنهان همراه است و سرمایه گذار به فکر تغییر کاربری زمین و تبدیل مرغداری به انبار کالای وارداتی بیفتد. این است که سرمایه گذاری در بخش کشاورزی اگر از سر اجبار و ناعلاجی و احیانا عشق و علاقه نباشد، هرگز از سر ذوق و انگیزه